

در دفاع از سکوت اهل نظر



عبدالجواد موسوی
شاعر و روزنامه‌نگار

در تلویزیون عکس چند نفر از اهل نظر را کنار هم گذاشته‌اند و مجری جوان تلویزیون رسماً آن‌ها را بی‌شرف و بی‌ادب خطاب می‌کند، چراکه تشییع جنازه باشکوه رئیس‌جمهور و همراهانش را نادیده گرفته‌اند. البته این بار اول نیست که اهل نظر و اهل رسانه با چنین اتهامی مواجه می‌شوند، آن هم به همین دلیل تکراری. هر بار که اتفاقاتی از این دست رخ می‌دهد بازار چنین اتهاماتی و بعد چنین دشنام‌هایی رونق می‌گیرد، چرا؟ ماجرا چیست؟ اگر کمی از دعوای مرسوم جناحی و سیاسی فاصله بگیریم، می‌بینیم که دعوا بر سر مفهومی بنام مردم است. چیزی که همه گروه‌ها و جناح‌ها برای اثبات درستی یا نادرستی یک عقیده به آن متوسل می‌شوند. فلان موضوع مهم است چراکه مردم به آن واکنش نشان دادند. بهمان آدم، آدم خوبی است چراکه مردم زیادی در سوگش سیاه پوشیدند. دروغ هم نمی‌گویند. همه آن‌ها که در خیابان می‌آیند یا نسبت به یک موضوع در فضای مجازی واکنش نشان می‌دهند، مردمند، نزاع‌انجام‌دهنده می‌گیرند که آیا آن جمعیت معترض یا سوگوار همه مردم را اکثریت مردم را نمایندگی می‌کنند یا نه. اگر چه از ادحام نفوس به خودی خود دلیل بر حقانیت یک موضوع نمی‌تواند باشد اما در زمانه‌ای که دموکراسی و رأی اکثریت اهمیت پیدا کرده است، نمی‌توان به این راحتی از کنار این موضوعات گذشت. حالا بحث بر سر این است که چگونه می‌توان اجماع اکثریت را بر سر توافقی یا مخالفت با یک موضوع اثبات یابد کرد؟ گاهی جمعیت چنان از حد و شمار بیرون است که جای هیچ انکاری باقی نمی‌ماند مگر آنکه طرف مقابل بیمار باشد یا دشمن قسم خورده شما، که در آن صورت از دست هیچ‌کس کاری بر نمی‌آید. اما در مواردی از این دست چه می‌توان گفت؟ آیا آن‌ها که مراسم پُرآزادحام تشییع پیکر رئیس‌جمهور و همراهانش را نادیده می‌گیرند یا مردم سرستیز دارند؟ فکر نمی‌کنم. دست کم آن‌هایی را که تلویزیون نشان‌شان داد- از بین آن‌ها جناب ملکیان، آزادارمکی، عبدالکریمی و اباضی در ذهنم مانده است- به این راحتی نمی‌توان دشمن مردم خطاب کرد. یا حتی نمی‌توان آن‌ها را اپوزیسیون دانست، پس باید علت این نادیده گرفتن را جای دیگری جست. به گمانم آنچه سبب می‌شود گاهی اهل نظر درباره چنین اتفاقاتی سخن نگویند، استفاده ابزاری جناح‌های سیاسی از این اتفاقات است. وقتی یک جناح سیاسی که ارضاهم رسانه دارد، هم قدرت و هم قوای رسمی و غیررسمی از او پشتیبانی می‌کنند با استناد به همین جمعیت می‌خواهد کل مردم ایران را مدافع یک شیوه از زیست و عقیده سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نشان دهد، خیلی‌ها ترجیح می‌دهند خاموش بمانند. اینجا دیگر صرفاً بحث حضور مردم یا همدلی با آن‌ها در یک سوگ جمعی نیست. مدعیان این اتفاقات را رسماً سیاسی تفسیر می‌کنند. درست مثل برخی از خطبه‌های نماز جمعه که قرار بود سیاسی-عبادی باشد اما امروزه از عبادی‌اش دیگر نشانی نمانده است. اتفاقاً اگر اهل نظر بتوانند آزادانه درباره این اتفاقات حرف بزنند ما به شناخت دقیق‌تر و درست‌تری از جامعه ایرانی خواهیم رسید منتهی متأسفانه به دلیل فضای غلبه سیاسی بر دیگر ساحت‌های زندگی معمولاً این اتفاقات رخ نمی‌دهد. همه چیز خیلی سریع تبدیل می‌شود به یک دوقطبی و حشمتاک و مضحک که در دو سوی آن مشت‌آدم افراطی به یکدیگر دشنام می‌دهند، رجز می‌خوانند و چنگ و دندان نشان می‌دهند. وقتی مدعیان رسماً و به‌صراحت شرکت مردم در تشییع پیکر جمعی از دولتمردان را فرادونم و انتخابات می‌خوانند و در چنین هنگامه‌ای پیش از آنکه به فکر حرمت درگذشتگان باشند به رقابای سیاسی دشنام می‌دهند و متلک می‌گویند یا برای رئیس‌جمهور نیامده تبلیغ زودهنگام می‌کنند، چرا باید اهل نظر سکوت پیشه نکنند؟ اتفاقاً شرافتمندانه‌ترین و مؤدبانه‌ترین واکنش ممکن به چنین وقایعی همین سکوت نجیبانه اهل نظر است. چه بگویند؟ هر چه جز حرف‌های مدعیان بزنند آماج حملات جوانمردانه واقع خواهند شد. سکوت می‌کنند تا همین اتحاد نصفه و نیمه به‌هم نخورد. سکوت می‌کنند تا آن‌ها که چشم دیدن این آب و خاک ندارند قند توی دل‌شان آب نشود و از این گل‌آلود ماهی نگیرند. سکوت می‌کنند بلکه فضایی آرام شود و از احساسات این طرفی‌ها و آن طرفی‌ها کاسته شود تا شاید گوشه‌ای برای شنیدن حرف حساب یافت شود. این سکوت به‌مراتب از هیاهوی سیاست‌زدگانی که در همه احوال به هیچ‌چیزی غیر قدرت نمی‌اندیشند شریف‌تر و موجه‌تر است. اگر آن‌ها هم به اهل نظر تاسی می‌کردند و می‌آموختند که هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد، قطعاً امروز وضع‌مان بهتر از دیروز بود.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیران گروه‌ها: فرزانه پهلوانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل) • علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • آرش خاموشی (کسب) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۴۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



چالش نیمکت

بررسی سرنوشت باشگاه‌هایی که با بحران انتخاب مربی روبه‌رو شده‌اند



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

فوتبال اروپا روزهای عجیبی را پشت سر می‌گذارد. به یکباره تیم‌های مطرح دنیا با بحران سرمربی روبه‌رو شده‌اند و برای یافتن گزینه جدید با مشکل روبه‌رو هستند. چراکه تعداد مربیانی که بتوانند تیمی را در رقابت‌های مهم اروپایی به قهرمانی برسانند رو به افول است. بعد از پایان دراماتیک لیورپول با کسب رتبه سوم و خداحافظی احساسی یورگن کلوپ، این باشگاه سراغ یک مربی هلندی رفت که برای هواداران این باشگاه مثل هندوانه در بسته است. از سوی دیگر باشگاه بایرن نیز با توماس توخل قطع همکاری کرد و شرایط نیمکتش به شکل عجیبی پیش می‌رود. باشگاه بارسلونا و نابولی و حتی رئال مادرید در دوران پسانتجولتی نامشخص است. در این گزارش قصد داریم آینده کاری مربیان مطرح و تیم‌هایی را مورد نقد و بررسی قرار دهیم که با چالش انتخاب مربی روبه‌رو شده‌اند.

بارسلونا یادآور دیالوگ متری شیش و نیم

باشگاه بارسلونا که حدود دو فصل است به دلیل محدودیت‌های شدید مالی آنطور که باید نتوانسته بازیکنان درجه یک اروپایی را خریداری کند و حتی برای درآمدزایی، بخشی از چمن ورزشگاه نیوکمپ را به فروش گذاشته بود، با یک رفتار غیرقابل باور با سرمربی و اسطوره باشگاه خود، هواداران را شوکه کرد. اواسط فصل بود که ژاوی سرمربی وقت این تیم اعلام کرد در پایان فصل از این تیم جدا می‌شود و به دلیل اینکه دست سران باشگاه را برای انتخاب مربی باز گذاشته باشد این خبر را زودتر از موعد رسانه‌ای کرده است. بعد از این استعفا نتایج بارسا با ژاوی به شکل کم‌نظیری پیش رفت تا جایی که خوان لاپورتا مدیرعامل این تیم جلسات متعددی را با ژاوی برگزار کرد تا رای او را بزند و در بارسلونا بماند. در نهایت دو هفته پیش لاپورتا با حضور ژاوی نشست مطبوعاتی را برگزار کردند و لاپورتا با چشمانی گریان اعلام کرد ژاوی برای یک فصل دیگر در این تیم خواهد ماند و ما توانستیم نظر او را برای آینده عوض کنیم تا اسطوره همچنان بخشی از این باشگاه باقی بماند. ژاوی اما بعد از شکست مقابل رئال مادرید در نشست اعلام کرد نباید از این تیم توقع داشت چراکه با بحران مالی‌ای که وجود دارد او نمی‌تواند بازیکنان قابل‌ی برای تیمش خریداری کند. همین مصاحبه کافی بود که لاپورتا علیه ژاوی موضع بگیرد و سرمربی بارسا وارد بلک لیست هیئت‌مدیره نیز قرار بگیرد تا جایی که در دیدار ماقبل پایانی بارسلونا، لاپورتا و دکو اصلاً با تیم سفر نکردند و ترجیح دادند در شهر بارسلونا بمانند. ژاوی هر چه در خواست ملاقات از لاپورتا کرد، با مخالفت مدیرعامل روبه‌رو شد و در نهایت با معرفی هانسی فلیک آلمانی به‌عنوان سرمربی آتی بارسلونا، ژاوی که خودخواسته استعفاش را به انتهای فصل موکول کرده بود و رای را زده بودند، از سمت خود اخراج شد. چنین رفتاری، یادآور دیالوگ «ناصر خاکزاد» در فیلم «متری شیش و نیم» بود که ناصر خاکزاد با بازی نوید محمدزاده اعلام کرد، «من خودکشی کرده بودم ولی من را نجات دادند تا حکم اعدام را صادر کنند». موضوعی که هواداران بارسلونا در شبکه‌های اجتماعی نیز به آن پرداختند که ژاوی خودش استعفا کرده بود نیازی نبود لاپورتا او را راضی به ماندن کند و بعد او را اخراج کند. در نهایت هانسی فلیک که سابقه قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا با بایرن را دارد به مدت سه فصل سرمربی آبی و اناری‌ها خواهد شد.

مربیان فراری از بایرن

باشگاه بایرن مونیخ اما یکی از سوژه‌های عجیب این روزهای مطبوعات ورزشی دنیا است؛ باشگاهی که به سبک تیم‌های عربی رفتار می‌کند و اصلاً اجازه نمی‌دهد مربی‌ای بیش از یک فصل نهایت دو فصل در این تیم دوام بیاورد. بعد از رفتن هانسی فلیک از این باشگاه بایرنی‌ها مجموعاً ۶۳ میلیون یورو بابت فرامتن یا پرداخت مبلغ رضایت‌نامه برای مربیان مختلف خرج کردند؛ مبلغی که می‌تواند قرارداد سه فصل بزرگترین مربی دنیا در حد گواردیولا باشد. سال گذشته اولیور کان و حسن صالح حمیدزیچ که بولیان ناگلزمن را در اوج نتایج خویش از هدایت بایرن اخراج کردند نیز خودشان با اکثریت آرا توسط اعضای هیئت‌مدیره از کار برکنار شدند. بایرن به لوپتگی، ژابی آلونسو، اوانی امری، هانسی فلیک و حتی خود توماس توخل هم پیشنهاد داد اما همگی این پیشنهادها را رد کردند تا بایرن به یکباره سراغ گزینه غیرقابل تصور برود که در هیچ رسانه‌ای نامی از او به میان نیامده بود. «وینسنت کمپانی» که فصل گذشته تیم برنلی را از لیگ برتر انگلیس به دسته پایین‌تر فرستاده بود به دلیل تسلط به زبان آلمانی و ارادت به سیستم پپ گواردیولا وارد لیست سران باشگاه بایرن شد. کمپانی در عرض ۵ دقیقه پاسخ مثبتش را به مدیران بایرن داد تا قرارداد او تا سال ۲۰۲۷ نهایی شود. بسیاری از رسانه‌های آلمانی با دید شک به این انتخاب نگاه می‌کنند چون کمپانی ۳۸ ساله سابقه خوبی در مربیگری ندارد و مشخص نیست بتوانند تیم پرحاشیه بایرن را مدیریت کند یا خیر.

آینده مهم پپ و کلوپ

یورگن کلوپ بعد از ۹ فصل سرانجام از لیورپول جدا شد. این مربی توانست لیورپول را بعد از ۲۰ سال به مقام قهرمانی در لیگ برتر انگلیس برساند و یک جام قهرمانی لیگ قهرمانان اروپا نیز برای این تیم به ارمغان بیاورد تا دوباره غرور از دست رفته باشگاه را برای هواداران متصبشان به ارمغان آورده باشد. او که چندماه پیش قراردادش را تا سال ۲۰۲۶ تمدید کرده بود اما اعلام کرد دیگر چیزی برای عرضه ندارد و بهتر است از این تیم در پایان فصل خداحافظی کند. «ارنه اسلوت» هلندی اما گزینه اصلی مدیران لیورپول نام گرفت بعد از اینکه آلونسو اعلام کرد یک فصل دیگر در بایرلورکوزن می‌ماند. بعد از نتایج خوب اسلوت با تیم‌های آکمار و به خصوص فاینورد او سرمربی لیورپول و با قراردادی سه‌ساله راهی آنفیلد شد. اما بسیاری دوست دارند بدانند مقصد بعدی کلوپ چه تیمی است. از همین حالا رزینی‌ها آغاز شده تا شاید او بار دیگر و بعد از ۱۰ سال راهی وستفالن شهر دورتموند شود تا بازم تیم رویایی را راهی اروپا کند و رقابت با بایرن و شاید لورکوزن را شکل دهد. بسیاری نیز می‌گویند بایرن از قصد با «کمپانی» قرارداد بسته تا دو سال آینده کلوپ را به آلیانستس آره نا بیاورد. از سوی دیگر پپ گواردیولا نیز یکشنبه اعلام کرد قطعاً بعد از پایان فصل بعد از سیتی جدا می‌شود. پپ یک مصاحبه معروف دارد که در آن مصاحبه گفته بود کار نیمه‌تمامی در مونیخ دارد که به پایان نرسانده. او در بایرن سه فصل پیاپی این تیم را راهی نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان کرد اما در هر سه دوره مقابل رقیب اسپانیایی حذف شد. او شاید دو سال آینده راهی بایرن شود تا کارش را به پایان برساند. از سوی دیگر آینده ژابی آلونسو بعد از لورکوزن نیز مشخص نیست. او سه پیشنهاد بسیار جدی برای دو سال آینده از بایرن، لیورپول و رئال مادرید دارد و از همین حالا شغل آتی خود را تضمین شده خواهد داشت. فقط باید خودش انتخاب کند که به کدام یک از این سه تیم قدرتمند اروپایی خواهد رفت.

چهره

در سوگ شاعر



مسعود سپهر

استاد سابق
دانشگاه آزاد شیراز

در این زمانه عسرت / به شاعران زمان برگ رخصتی دادند
که از معاشقه سرو و قمری و لاله / رودها بسرایند ژرف‌تر از خواب
زال‌تر از آب.

تو خامشی، که بخواند؟ / و می‌روی که بماند؟

که بر نهالک بی‌برگ ما ترانه بخواند. (شفیعی کدکنی)

عزیز شبانی هم رفت، شاعری دیگر از دیار سعدی و حافظ که لابد حالا در ملکوت از پی منصور اوجی و پرویز خانفی می‌رود تا در زیر درختان طوبی دمی بیاسایند و مشاعره کنند. پاکدل فروتنی که از فرط صفا و سادگی انگار همان شبانی بود که موسی او را در راه دید و مورد عتاب واقع شد. معلمی که شاعر بود و شاعری که معلم بود و خودش و شاگردانش هر دو عاشق صادق، ادبیات، فلسفه و هنر را خوب خوانده بود و فهمیده بود اما منش و سخش یاد حسین پناهی را زنده می‌کرد. قلندری مرامش بود و صفای وجودت تکیه کلامش. هم غزل می‌سرود، هم رباعی و هم در قالب نیمایی که در کتاب‌ها و صفحات ادبی نشریات نشانگر هنرمندی اوست و هم مقالات پژوهشی ادبی فراوان که گستره احاطه او را بر ادبیات به رخ می‌کشید. همواره نگران زمانه و مردم بود سسایه‌های یاس فلسفی فضای اشعارش را غمگین می‌کرد هر چند بوی علف‌های تازه کوه‌های زادگاهش در بهار از لابه‌لای ابیات همواره به مشام می‌رسید. حتماً خودش می‌دانست که سرود:

پیچکی سبزم که پیچیدم به پای سرد کاج

عشق را من مرده‌ام، دیوانه‌ای پاییزی‌ام

مرگ آری، زندگی نه، برگ می‌گوید سخن

من نمی‌دانم که «آری» یا «نه»‌ای پاییزی‌ام

سفره‌ای پهن است با شمع و کتاب و آینه
جای من سبزم است در کاشانه
پاییزی‌ام

کتابخانه

نمایان ساختن مبانی متافیزیکی منطق

کتاب «آغازین بنیادهای متافیزیکی منطق با رهسپارشدن از لاینیتس»، نوشته مارتین هایدگر، با ترجمه طالب جابری در ۳۵۰ صفحه و با قیمت ۳۳۰ هزار تومان توسط نشر نی منتشر شد.

«آغازین بنیادهای متافیزیکی منطق با رهسپارشدن از لاینیتس» جلد ۲۶ مجموعه آثار هایدگر متن درسگفتاری است که در تابستان ۱۹۲۸ تحت عنوان «منطق» در ماربورگ ارائه شده است. هایدگر بر این باور است که نزد لاینیتس نه تنها سنت باستانی و قرون وسطایی منطق در یک صورت جدید جمع می‌شود، بلکه او هم‌زمان به تکانه‌ای برای پرسشگری‌های نو در منطق تبدیل می‌شود. هایدگر بر همین اساس در این درسگفتار می‌کوشد با مبنا قراردادن تفکر لاینیتس، خصوصاً



آغازین بنیادهای

متافیزیکی منطق

با رهسپارشدن از

لاینیتس

نویسنده:

مارتین هایدگر

مترجم:

طالب جابری

انتشارات: نشر نی

نظریه حکم و اصل بنیاد او، مبانی متافیزیکی منطق را نمایان سازد و از این طریق منطق را فلسفی کند.

بازگشت همه به سوی اوست

درگذشت ناگهانی استاد پیر محمد ملازهی
روزنامه‌نگار و تحلیلگر با تجربه مسائل بین‌المللی

موجب تأثر و تالم گردید.

این ضایعه را به خانواده محترم ایشان

و همچنین جامعه مطبوعات کشور تسلیت می‌گوییم.

روزنامه هم‌میهن